

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Comparative Analysis of Family Law in Islam and International Law Using the Theories of Emile Durkheim and Imam Muhammad Ghazali

Mehdi Abbasi¹, Negar Hashemi^{*2}

1. Department of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
2. Department of Philosophy, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

* Corresponding Author's Email: hashemi246n@gmail.com

ABSTRACT

This article provides a comparative analysis of family law in Islam and international law using the theories of Emile Durkheim and Imam Muhammad Ghazali. The objective of this research is to examine the strengths and weaknesses of these two legal systems and propose solutions for improving family law. The various sections of the article review the theoretical foundations and concepts of family law in Islam and international law, offering a comprehensive comparison of the rights of spouses, children, and parents in these systems. The theories of Durkheim and Ghazali are used as the theoretical framework for this study, and a comparative analysis of family law is conducted based on these theories. The findings indicate that both legal systems emphasize the importance of the family and its role in maintaining social cohesion, yet they adopt different approaches in regulating the rights and duties of family members. Additionally, recommendations for enhancing family law and suggestions for future research are provided. This research can serve as a reference for legislators, academics, and social activists aiming to improve family law.

Keywords: *Family law, Islam, international law, Emile Durkheim, Imam Muhammad Ghazali, comparative analysis, social cohesion, justice, love.*

How to cite: Abbasi, M., & Hashemi, N. (2023). Comparative Analysis of Family Law in Islam and International Law Using the Theories of Emile Durkheim and Imam Muhammad Ghazali. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 1(1), 36-48.



تاریخ ارسال: ۹ مرداد ۱۴۰۲
 تاریخ بازنگری: ۴ مهر ۱۴۰۲
 تاریخ پذیرش: ۱۵ مهر ۱۴۰۲
 تاریخ چاپ: ۲۵ مهر ۱۴۰۲

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

تحلیل تطبیقی حقوق خانواده در اسلام و حقوق بین‌الملل با استفاده از نظریات امیل دورکیم و امام محمد غزالی

مهدی عباسی^۱، نگار هاشمی^{۲*}

۱. گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

۲. گروه فلسفه، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: hashemi246n@gmail.com

چکیده

این مقاله به تحلیل تطبیقی حقوق خانواده در اسلام و حقوق بین‌الملل با استفاده از نظریات امیل دورکیم و امام محمد غزالی می‌پردازد. هدف از این تحقیق، بررسی نقاط قوت و ضعف هر یک از این دو نظام حقوقی و ارائه راهکارهای بهبود وضعیت حقوق خانواده است. در بخش‌های مختلف مقاله، مبانی نظری و مفاهیم حقوق خانواده در اسلام و حقوق بین‌الملل بررسی شده و مقایسه‌ای جامع بین حقوق زوجین، کودکان، والدین و فرزندان در این دو نظام حقوقی ارائه شده است. نظریات دورکیم و غزالی به عنوان چارچوب نظری این تحقیق استفاده شده و تحلیل تطبیقی حقوق خانواده با استفاده از این نظریات صورت گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هر دو نظام حقوقی به اهمیت خانواده و نقش آن در حفظ انسجام اجتماعی توجه دارند، اما رویکردهای متفاوتی در تنظیم حقوق و وظایف اعضای خانواده دارند. همچنین، پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت حقوق خانواده و توسعه تحقیقات آتی ارائه شده است. این تحقیق می‌تواند به عنوان مرجعی برای قانون‌گذاران، دانشگاهیان و فعالان اجتماعی در زمینه بهبود حقوق خانواده مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌گان: حقوق خانواده، اسلام، حقوق بین‌الملل، امیل دورکیم، امام محمد غزالی، تحلیل تطبیقی، انسجام اجتماعی، عدالت، محبت.

نحوه استناددهی: عباسی، مهدی، و هاشمی، نگار. (۱۴۰۲). تحلیل تطبیقی حقوق خانواده در اسلام و حقوق بین‌الملل با استفاده از نظریات امیل دورکیم و امام محمد غزالی. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۱(۱)، ۳۶-۴۸.



مقدمه

حقوق خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان نظام‌های حقوقی، نقش اساسی در تعیین و تنظیم روابط خانوادگی ایفا می‌کند. این حوزه حقوقی، به دلیل تاثیرات عمیقی که بر زندگی فردی و اجتماعی افراد دارد، همواره مورد توجه و بررسی‌های گسترده‌ای قرار گرفته است. حقوق خانواده در اسلام و حقوق بین‌الملل دو نظام حقوقی مهم و تاثیرگذار در جهان معاصر هستند که هر یک با مبانی و اصول خاص خود، به تنظیم روابط خانوادگی می‌پردازند (Farooqi et al., 2022). این مقاله به تحلیل تطبیقی حقوق خانواده در اسلام و حقوق بین‌الملل با استفاده از نظریات امیل دورکیم و امام محمد غزالی می‌پردازد تا از این طریق بتوان به درک بهتری از این دو نظام حقوقی رسید و بهبود وضعیت حقوق خانواده را در هر دو زمینه مورد بررسی قرار داد.

بررسی تطبیقی حقوق خانواده در اسلام و حقوق بین‌الملل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا هر دو نظام حقوقی بر زندگی میلیون‌ها انسان تاثیر می‌گذارند. حقوق خانواده در اسلام بر اساس آموزه‌های قرآنی و سنت نبوی شکل گرفته است و با توجه به تعداد زیاد کشورهای مسلمان و پیروان این دین، مطالعه و فهم صحیح آن بسیار ضروری است. از سوی دیگر، حقوق بین‌الملل به عنوان مجموعه‌ای از قوانین و مقرراتی که روابط بین‌المللی را تنظیم می‌کند، تلاش دارد تا استانداردهای جهانی را در حوزه‌های مختلف از جمله حقوق خانواده تعیین کند (Farooqi et al., 2022). لذا، بررسی تطبیقی این دو نظام حقوقی می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف هر یک و ارائه راهکارهای بهبود وضعیت حقوق خانواده کمک کند.

هدف اصلی این مقاله، تحلیل تطبیقی حقوق خانواده در اسلام و حقوق بین‌الملل با استفاده از نظریات امیل دورکیم و امام محمد غزالی است. اهداف جزئی این تحقیق عبارتند از:

- بررسی مبانی نظری و مفاهیم حقوق خانواده در اسلام و حقوق بین‌الملل.
 - مقایسه حقوق زوجین، حقوق کودکان، و حقوق والدین و فرزندان در اسلام و حقوق بین‌الملل.
 - تحلیل تطبیقی حقوق خانواده با استفاده از نظریات دورکیم و غزالی.
 - ارائه راهکارهای بهبود وضعیت حقوق خانواده در هر دو نظام حقوقی.
- این تحقیق به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است:

- مبانی نظری و اصول حقوق خانواده در اسلام و حقوق بین‌الملل چیست؟
- تفاوت‌ها و شباهت‌های حقوق زوجین، کودکان، و والدین و فرزندان در اسلام و حقوق بین‌الملل کدامند؟
- چگونه می‌توان با استفاده از نظریات امیل دورکیم و امام محمد غزالی به تحلیل تطبیقی حقوق خانواده پرداخت؟
- چه راهکارهایی برای بهبود وضعیت حقوق خانواده در اسلام و حقوق بین‌الملل می‌توان پیشنهاد داد؟

روش تحقیق

این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی انجام می‌شود. در بخش توصیفی، مبانی نظری و مفاهیم حقوق خانواده در اسلام و حقوق بین‌الملل بررسی می‌شود و در بخش تحلیلی، مقایسه و تحلیل تطبیقی این دو نظام حقوقی با استفاده از نظریات دورکیم و غزالی صورت می‌گیرد. برای گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، مقالات علمی، کتاب‌ها و سایر منابع معتبر استفاده خواهد شد.

مبانی نظری و مفاهیم

نظریات امیل دورکیم در مورد حقوق و خانواده

احترام و محبت بین اعضای خانواده تأکید دارد و معتقد است که رعایت اصول اخلاقی و دینی در روابط خانوادگی، می‌تواند به تحقق یک خانواده سالم و پایدار کمک کند. غزالی همچنین به اهمیت تعلیم و تربیت فرزندان بر اساس ارزش‌های اسلامی اشاره می‌کند و معتقد است که والدین نقش مهمی در انتقال این ارزش‌ها به فرزندان دارند (Alahmad, 2016; Rehman, 2007).

مبانی و اصول حقوق خانواده در اسلام

حقوق خانواده در اسلام بر پایه آموزه‌های قرآن و سنت نبوی شکل گرفته است و اصول و مقررات آن به تفصیل در فقه اسلامی مورد بحث قرار گرفته‌اند. یکی از اصول اساسی حقوق خانواده در اسلام، عدالت است. قرآن کریم به اهمیت عدالت در روابط خانوادگی تأکید کرده و از مسلمانان خواسته است که در تعاملات خود با اعضای خانواده، عدالت را رعایت کنند. این اصل در تنظیم حقوق و وظایف زوجین، والدین و فرزندان نقش مهمی دارد (Powell, 2013; Rehman, 2007, 2022).

از دیگر اصول مهم حقوق خانواده در اسلام، محبت و احترام متقابل بین اعضای خانواده است. اسلام به زوجین توصیه می‌کند که با محبت و احترام با یکدیگر رفتار کنند و والدین را به محبت و توجه به فرزندانشان تشویق می‌کند. همچنین، حقوق و وظایف هر یک از اعضای خانواده به دقت مشخص شده است تا از بروز اختلافات و مشکلات جلوگیری شود. به عنوان مثال، قرآن و حدیث به تفصیل درباره حقوق و وظایف زوجین، از جمله نفقه، مهریه، طلاق و تربیت فرزندان صحبت کرده‌اند (Aqimuddin, 2023; Rehman, 2007).

مبانی و اصول حقوق بین‌الملل در مورد خانواده

حقوق بین‌الملل به عنوان مجموعه‌ای از قوانین و مقرراتی که روابط بین‌المللی را تنظیم می‌کند، تلاش دارد تا استانداردهای جهانی را

امیل دورکیم، یکی از بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی مدرن، با تأکید بر اهمیت نهادهای اجتماعی، به ویژه خانواده، در حفظ انسجام اجتماعی و اخلاقی جامعه پرداخته است. دورکیم بر این باور است که خانواده به عنوان یکی از نخستین و اساسی‌ترین نهادهای اجتماعی، نقش حیاتی در شکل‌گیری و انتقال ارزش‌ها، هنجارها و قوانین به نسل‌های بعدی دارد. او معتقد است که حقوق خانواده باید بر اساس نیازهای اجتماعی و فرهنگی جامعه تنظیم شود تا بتواند به حفظ انسجام و پایداری جامعه کمک کند (Farooqi et al., 2022).

دورکیم همچنین به اهمیت تقسیم کار در خانواده اشاره می‌کند. به عقیده او، تقسیم وظایف بین اعضای خانواده نه تنها به کارآمدی بیشتر خانواده کمک می‌کند، بلکه به ایجاد همبستگی و تقویت روابط بین اعضا نیز منجر می‌شود. از دیدگاه دورکیم، حقوق خانواده باید به گونه‌ای طراحی شود که از یک سو حقوق و وظایف هر یک از اعضای خانواده را مشخص کند و از سوی دیگر، امکان انعطاف‌پذیری و تطبیق با تغییرات اجتماعی را فراهم آورد (Farooqi et al., 2022).

نظریات امام محمد غزالی در مورد حقوق و خانواده

امام محمد غزالی، یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان و متفکران اسلامی، با تأکید بر اهمیت اخلاق و شریعت در تنظیم روابط خانوادگی، به تبیین حقوق و وظایف اعضای خانواده پرداخته است. غزالی بر این باور است که خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی مقدس، باید بر اساس اصول و ارزش‌های اسلامی مدیریت شود. او تأکید می‌کند که حقوق خانواده در اسلام بر پایه محبت، عدالت و مسئولیت‌پذیری استوار است و هر یک از اعضای خانواده باید به وظایف و حقوق خود آگاه باشند و به آن‌ها عمل کنند (Rehman, 2007, 2022).

غزالی در آثار خود به تفصیل درباره حقوق زوجین، حقوق والدین و فرزندان و وظایف متقابل آن‌ها صحبت کرده است. او بر اهمیت

کرده است. برای مثال، مرد موظف به تأمین نیازهای مالی خانواده است و زن نیز وظیفه دارد که به امور داخلی خانواده بپردازد، هرچند این وظایف می‌تواند بسته به توافق زوجین تغییر کند (Adua, 2024).

نفقه و مهریه از جمله حقوق مالی زنان در اسلام هستند که در قرآن و حدیث به آن‌ها اشاره شده است. نفقه به عنوان حق مالی زن بر مرد تعریف شده و مرد موظف است که هزینه‌های زندگی همسر و فرزندان را تأمین کند (Farooqi et al., 2022). مهریه نیز به عنوان هدیه‌ای است که مرد در زمان عقد به زن می‌دهد و این حق مالی به زن تعلق می‌گیرد. همچنین، اسلام حق طلاق را برای مرد و زن با شرایط خاصی مقرر کرده است (Aqimuddin, 2023).

حقوق زوجین در حقوق بین‌الملل

حقوق بین‌الملل نیز به حمایت از حقوق زوجین و تأمین عدالت و برابری بین آن‌ها تأکید دارد. اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون‌های بین‌المللی مختلف، از جمله کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (CEDAW)، به برابری حقوقی و دسترسی به فرصت‌های برابر برای زنان و مردان در زندگی خانوادگی پرداخته‌اند (Moinipour, 2021). این اسناد بر لزوم احترام به حقوق انسانی و تأمین شرایط برابر برای هر دو جنس تأکید دارند. در حقوق بین‌الملل، حقوق و وظایف زوجین بر اساس اصول برابری و عدالت تعریف شده است. این حقوق شامل حق بر انتخاب همسر، حق بر ازدواج آزادانه و بدون اجبار، و حق بر دسترسی به منابع مالی و اقتصادی خانواده است (Rehman, 2022). همچنین، حقوق بین‌الملل به اهمیت حمایت از حقوق زنان در مقابل خشونت‌های خانگی و تضمین امنیت و سلامت آن‌ها توجه دارد (Alahmad, 2016).

حقوق کودکان در اسلام

در حوزه‌های مختلف از جمله حقوق خانواده تعیین کند. یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل در زمینه خانواده، حمایت از حقوق بشر و تأمین برابری و عدالت برای همه اعضای خانواده است. اسناد بین‌المللی مختلفی، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون حقوق کودک، به حمایت از حقوق خانواده و تعیین استانداردهای جهانی در این زمینه پرداخته‌اند (Farooqi et al., 2022; Moinipour, 2021; Rehman, 2022).

حقوق بین‌الملل همچنین بر اهمیت حمایت از کودکان و تأمین شرایط مناسب برای رشد و تربیت آن‌ها تأکید دارد. کنوانسیون حقوق کودک به تفصیل درباره حقوق کودکان در زمینه‌های مختلف از جمله حق بر آموزش، حق بر سلامت و حق بر حفاظت از سوءاستفاده‌ها و خشونت‌ها صحبت کرده است. این اصول و مقررات تلاش دارند تا شرایطی فراهم شود که کودکان در محیطی امن و سالم رشد کنند و به حقوق اساسی خود دسترسی داشته باشند (Moustafa, 2018; Rehman, 2022).

به طور کلی، مبانی و اصول حقوق بین‌الملل در مورد خانواده تلاش دارند تا با تأمین عدالت، برابری و حمایت از حقوق بشر، به ایجاد و حفظ خانواده‌های سالم و پایدار کمک کنند. این اصول و مقررات می‌توانند به عنوان معیاری برای ارزیابی و بهبود حقوق خانواده در نظام‌های حقوقی مختلف، از جمله حقوق خانواده در اسلام، مورد استفاده قرار گیرند (Çakmak & Güneysu, 2020).

مقایسه حقوق خانواده در اسلام و حقوق بین‌الملل

حقوق زوجین در اسلام

حقوق زوجین در اسلام به تفصیل در قرآن و سنت نبوی مورد بحث قرار گرفته و در فقه اسلامی تدوین شده است. یکی از اصول اساسی حقوق زوجین در اسلام، عدالت است. قرآن کریم بر لزوم رعایت عدالت بین زوجین تأکید دارد و از مردان می‌خواهد که با همسران خود به نیکی رفتار کنند (Rehman, 2007). همچنین، اسلام حقوق و وظایف مشخصی برای هر یک از زوجین تعیین

تلاش دارند تا شرایطی فراهم شود که کودکان بتوانند در محیطی امن و سالم رشد کنند و به حقوق اساسی خود دسترسی داشته باشند (Çakmak & Güneysu, 2020).

حقوق والدین و فرزندان در اسلام

حقوق والدین و فرزندان در اسلام بر اساس اصول محبت، احترام و عدالت تعریف شده است. قرآن و سنت نبوی به تفصیل درباره حقوق و وظایف متقابل والدین و فرزندان صحبت کرده‌اند. یکی از اصول اساسی حقوق والدین در اسلام، احترام و اطاعت از والدین است. قرآن کریم به مسلمانان توصیه می‌کند که با والدین خود به نیکی رفتار کنند و آن‌ها را محترم بشمارند (Aqimuddin, 2023). همچنین، والدین موظف به تأمین نیازهای مالی و روحی فرزندان هستند و باید شرایط مناسب برای رشد و تربیت آن‌ها را فراهم کنند (Rehman, 2007).

در اسلام، والدین نقش مهمی در تعلیم و تربیت فرزندان دارند و باید آن‌ها را بر اساس ارزش‌های اسلامی پرورش دهند. این وظایف شامل آموزش قرآن، تعلیم اخلاق اسلامی، و فراهم کردن شرایط مناسب برای آموزش و پرورش فرزندان است (Farooqi et al., 2022). همچنین، حقوق والدین در برابر فرزندان شامل دریافت احترام و محبت از سوی آن‌ها و تأمین حمایت مالی در صورت نیاز است.

حقوق والدین و فرزندان در حقوق بین‌الملل

حقوق والدین و فرزندان در حقوق بین‌الملل بر اساس اصول برابری، عدالت و حمایت از حقوق بشر تعریف شده است. اسناد بین‌المللی مختلف به حقوق و وظایف متقابل والدین و فرزندان پرداخته‌اند و تلاش دارند تا شرایط مناسب برای رشد و تربیت کودکان و حمایت از حقوق والدین را فراهم کنند. یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل در این زمینه، حمایت از حقوق والدین در انتخاب روش‌های تربیتی و آموزش فرزندان است (Moinipour, 2021).

حقوق کودکان در اسلام به طور گسترده‌ای مورد توجه قرار گرفته و در قرآن و سنت نبوی به تفصیل آمده است. یکی از اصول اساسی حقوق کودکان در اسلام، حق بر تعلیم و تربیت است. قرآن کریم و احادیث نبوی به اهمیت آموزش و پرورش کودکان تأکید دارند و والدین را موظف به فراهم کردن شرایط مناسب برای آموزش و تربیت فرزندان می‌کنند (Moinipour, 2021). همچنین، اسلام به اهمیت محبت و احترام به کودکان تأکید دارد و والدین را به محبت و توجه به نیازهای روحی و جسمی کودکان تشویق می‌کند (Rehman, 2007).

حقوق مالی کودکان نیز در اسلام مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال، والدین موظف به تأمین نیازهای مالی کودکان هستند و باید از اموال کودکان به نفع آن‌ها استفاده کنند. همچنین، اسلام حقوق و وظایف متقابلی را برای والدین و فرزندان تعریف کرده است که از جمله آن‌ها می‌توان به حق بر مراقبت و نگهداری و وظیفه احترام به والدین اشاره کرد (Farooqi et al., 2022).

حقوق کودکان در حقوق بین‌الملل

حقوق کودکان در حقوق بین‌الملل نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و اسناد بین‌المللی مختلفی به حمایت از حقوق کودکان پرداخته‌اند. یکی از مهم‌ترین این اسناد، کنوانسیون حقوق کودک است که به تفصیل درباره حقوق کودکان در زمینه‌های مختلف از جمله حق بر آموزش، حق بر سلامت و حق بر حفاظت از سوءاستفاده‌ها و خشونت‌ها صحبت کرده است (Moustafa, 2018). این کنوانسیون بر لزوم تأمین شرایط مناسب برای رشد و تربیت کودکان و حمایت از حقوق آن‌ها تأکید دارد.

حقوق بین‌الملل همچنین به اهمیت حمایت از کودکان در مقابل خشونت‌های خانگی و تضمین امنیت و سلامت آن‌ها توجه دارد. این حقوق شامل حق بر دسترسی به آموزش، حق بر زندگی در محیطی امن و سالم، و حق بر برخورداری از خدمات بهداشتی و درمانی است (Rehman, 2022). اسناد بین‌المللی مختلف

باید به گونه‌ای باشد که نه تنها به کارآمدی بیشتر خانواده کمک کند، بلکه روابط بین اعضا را تقویت نماید (Durkheim, 1984). در این زمینه، حقوق زوجین در اسلام با تأکید بر نقش‌ها و وظایف متفاوت زوجین، به نحوی سعی در حفظ انسجام خانواده دارد، در حالی که حقوق بین‌الملل با تأکید بر برابری و عدالت، به دنبال ایجاد شرایطی است که هر دو جنس به طور مساوی در مسئولیت‌ها و حقوق شریک باشند (Alahmad, 2016).

بررسی تطبیقی حقوق کودکان با استفاده از نظریات دورکیم

حقوق کودکان نیز یکی از حوزه‌های مهم در حقوق خانواده است که هر دو نظام حقوقی اسلام و حقوق بین‌الملل به آن پرداخته‌اند. دورکیم به نقش اجتماعی‌سازی کودکان از طریق نهادهای اجتماعی مانند خانواده و مدرسه اشاره می‌کند و معتقد است که این فرآیند برای انتقال ارزش‌ها و هنجارهای جامعه به نسل‌های بعدی ضروری است (Farooqi et al., 2022).

در اسلام، حقوق کودکان شامل حق بر تعلیم و تربیت، حق بر محبت و حمایت، و حق بر تأمین نیازهای مالی و جسمی است (Rehman, 2007). قرآن و سنت نبوی به والدین توصیه می‌کنند که شرایط مناسبی برای رشد و تربیت فرزندان فراهم کنند و به آموزش و پرورش آن‌ها بر اساس ارزش‌های اسلامی اهمیت دهند (Moinipour, 2021). در حقوق بین‌الملل، کنوانسیون حقوق کودک به تفصیل درباره حقوق کودکان صحبت کرده و بر لزوم تأمین شرایط مناسب برای رشد و توسعه همه‌جانبه کودکان تأکید دارد (Moustafa, 2018).

از دیدگاه دورکیم، هر دو نظام حقوقی تلاش می‌کنند تا از طریق تعیین حقوق و وظایف مشخص برای کودکان و والدین، فرآیند اجتماعی‌سازی را تسهیل کنند و انسجام اجتماعی را حفظ نمایند. او معتقد است که آموزش و پرورش نقش کلیدی در انتقال فرهنگ و ارزش‌های جامعه دارد و باید به گونه‌ای طراحی شود که کودکان بتوانند به عنوان اعضای مسئول و مؤثر در جامعه رشد کنند

حقوق بین‌الملل همچنین بر لزوم احترام و محبت به والدین و تأمین حمایت مالی و روحی از آن‌ها تأکید دارد. این حقوق شامل حق بر دریافت احترام و محبت از سوی فرزندان، حق بر تأمین حمایت مالی در صورت نیاز، و حق بر دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی است (Rehman, 2022). اسناد بین‌المللی تلاش دارند تا شرایطی فراهم شود که والدین و فرزندان بتوانند در محیطی امن و سالم زندگی کنند و به حقوق اساسی خود دسترسی داشته باشند (Çakmak & Güneysu, 2020).

تحلیل تطبیقی با استفاده از نظریات دورکیم و غزالی

بررسی تطبیقی حقوق زوجین با استفاده از نظریات دورکیم

امیل دورکیم، به عنوان یکی از بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی مدرن، به تأثیر نهادهای اجتماعی بر انسجام و همبستگی جامعه تأکید دارد. او معتقد است که خانواده به عنوان یکی از نهادهای اساسی اجتماعی، نقش مهمی در انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی ایفا می‌کند. حقوق زوجین در اسلام و حقوق بین‌الملل هر دو به تنظیم روابط زوجین و تأمین عدالت و برابری در خانواده می‌پردازند، اما با رویکردهای متفاوتی این کار را انجام می‌دهند (Farooqi et al., 2022).

در اسلام، حقوق زوجین بر پایه عدالت، محبت و احترام متقابل تعریف شده است. این حقوق شامل نفقه، مهریه و حقوق و وظایف متقابل زوجین است که در قرآن و سنت نبوی به تفصیل آمده است (Rehman, 2007). در مقابل، حقوق بین‌الملل به برابری حقوقی و فرصت‌های برابر برای زوجین تأکید دارد و از طریق اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (CEDAW) تلاش می‌کند تا برابری جنسیتی را در زندگی خانوادگی تضمین کند (Moinipour, 2021).

از دیدگاه دورکیم، هر دو نظام حقوقی تلاش می‌کنند تا از طریق تعیین حقوق و وظایف مشخص برای زوجین، انسجام و همبستگی اجتماعی را حفظ کنند. او معتقد است که تقسیم کار در خانواده

به خوبی ایفا کند (Farooqi et al., 2022). در این زمینه، حقوق والدین و فرزندان در اسلام و حقوق بین‌الملل هر دو به تأمین شرایط مناسب برای روابط خانوادگی توجه دارند، اما با رویکردهای متفاوتی این کار را انجام می‌دهند (Rehman, 2022).

تحلیل حقوق خانواده در اسلام با استفاده از نظریات امام محمد

غزالی

امام محمد غزالی، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین متفکران و فلاسفه اسلامی، به تأکید بر اهمیت اخلاق و شریعت در تنظیم روابط خانوادگی پرداخته است. او معتقد است که خانواده باید بر اساس اصول و ارزش‌های اسلامی مدیریت شود و حقوق و وظایف اعضای خانواده باید بر پایه محبت، عدالت و مسئولیت‌پذیری تعیین شود (Farooqi et al., 2022). حقوق خانواده در اسلام به تفصیل در قرآن و سنت نبوی آمده و شامل حقوق و وظایف زوجین، والدین و فرزندان است (Rehman, 2007).

غزالی بر اهمیت احترام و محبت بین اعضای خانواده تأکید دارد و معتقد است که رعایت اصول اخلاقی و دینی در روابط خانوادگی می‌تواند به تحقق یک خانواده سالم و پایدار کمک کند (Farooqi et al., 2022). او همچنین به اهمیت تعلیم و تربیت فرزندان بر اساس ارزش‌های اسلامی اشاره می‌کند و معتقد است که والدین نقش مهمی در انتقال این ارزش‌ها به فرزندان دارند (Rehman, 2022).

از دیدگاه غزالی، حقوق خانواده در اسلام باید به گونه‌ای تنظیم شود که از یک سو حقوق و وظایف هر یک از اعضای خانواده را مشخص کند و از سوی دیگر، امکان انعطاف‌پذیری و تطبیق با تغییرات اجتماعی را فراهم آورد (Rehman, 2007). او معتقد است که رعایت اصول عدالت و محبت در روابط خانوادگی می‌تواند به حفظ انسجام و پایداری خانواده کمک کند و از بروز

(Moustafa, 2018). در این زمینه، حقوق کودکان در اسلام و حقوق بین‌الملل هر دو به تأمین شرایط مناسب برای آموزش و پرورش کودکان توجه دارند، اما با رویکردهای متفاوتی این کار را انجام می‌دهند (Rehman, 2022).

بررسی تطبیقی حقوق والدین و فرزندان با استفاده از نظریات دورکیم

حقوق والدین و فرزندان نیز یکی دیگر از موضوعات مهم در حقوق خانواده است که در هر دو نظام حقوقی اسلام و حقوق بین‌الملل به آن پرداخته شده است. دورکیم به نقش خانواده در انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به نسل‌های بعدی و حفظ انسجام اجتماعی اشاره می‌کند و معتقد است که حقوق و وظایف متقابل والدین و فرزندان باید به گونه‌ای تعریف شود که این نقش‌ها به خوبی ایفا شوند (Moustafa, 2018).

در اسلام، حقوق والدین شامل احترام و اطاعت از سوی فرزندان، و حقوق فرزندان شامل تأمین نیازهای مالی و جسمی و حق بر تعلیم و تربیت است (Rehman, 2007). والدین موظف به فراهم کردن شرایط مناسب برای رشد و توسعه فرزندان خود هستند و باید آن‌ها را بر اساس ارزش‌های اسلامی تربیت کنند (Farooqi et al., 2022). در مقابل، حقوق بین‌الملل به برابری و عدالت در روابط والدین و فرزندان تأکید دارد و تلاش می‌کند تا از طریق اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک، حقوق و وظایف متقابل والدین و فرزندان را به گونه‌ای تنظیم کند که هر دو طرف به حقوق اساسی خود دسترسی داشته باشند (Moinipour, 2021).

از دیدگاه دورکیم، هر دو نظام حقوقی تلاش می‌کنند تا از طریق تعیین حقوق و وظایف مشخص برای والدین و فرزندان، انسجام و همبستگی اجتماعی را حفظ کنند. او معتقد است که روابط خانوادگی باید بر پایه احترام، محبت و مسئولیت‌پذیری متقابل باشد تا خانواده بتواند نقش خود را به عنوان نهاد اجتماعی اصلی

اختلافات و مشکلات جلوگیری نماید (Farooqi et al., 2022).

تحلیل حقوق خانواده در حقوق بین‌الملل با استفاده از نظریات امام محمد غزالی

حقوق بین‌الملل به عنوان مجموعه‌ای از قوانین و مقرراتی که روابط بین‌المللی را تنظیم می‌کند، تلاش دارد تا استانداردهای جهانی را در حوزه‌های مختلف از جمله حقوق خانواده تعیین کند. یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل در زمینه خانواده، حمایت از حقوق بشر و تأمین برابری و عدالت برای همه اعضای خانواده است (Moinipour, 2021). اسناد بین‌المللی مختلفی، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون حقوق کودک، به حمایت از حقوق خانواده و تعیین استانداردهای جهانی در این زمینه پرداخته‌اند (Farooqi et al., 2022).

از دیدگاه امام محمد غزالی، حقوق خانواده در حقوق بین‌الملل باید به گونه‌ای تنظیم شود که اصول عدالت، محبت و احترام متقابل را در روابط خانوادگی تأمین کند (Glasgow, 2006). او معتقد است که حقوق بین‌الملل می‌تواند با بهره‌گیری از اصول اخلاقی و دینی، به بهبود وضعیت حقوق خانواده در سطح جهانی کمک کند (Rehman, 2022).

غزالی همچنین به اهمیت حمایت از کودکان و تأمین شرایط مناسب برای رشد و تربیت آن‌ها اشاره می‌کند و معتقد است که حقوق بین‌الملل باید به گونه‌ای تنظیم شود که کودکان بتوانند در محیطی امن و سالم رشد کنند و به حقوق اساسی خود دسترسی داشته باشند (Glasgow, 2006). او معتقد است که حمایت از حقوق کودکان و تأمین شرایط مناسب برای رشد و تربیت آن‌ها می‌تواند به ایجاد یک جامعه سالم و پایدار کمک کند (Rehman, 2022).

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی نهایی مقایسه حقوق خانواده در اسلام و حقوق بین‌الملل

حقوق خانواده در اسلام و حقوق بین‌الملل هر دو با هدف تنظیم روابط خانوادگی و تأمین عدالت و برابری در خانواده تدوین شده‌اند. در اسلام، حقوق خانواده بر پایه اصول قرآنی و سنت نبوی استوار است که به عدالت، محبت و احترام متقابل تأکید دارد (Rehman, 2007). این حقوق شامل حقوق و وظایف مشخصی برای زوجین، کودکان و والدین است که به تفصیل در متون دینی آمده است. در مقابل، حقوق بین‌الملل تلاش دارد تا از طریق اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (CEDAW)، استانداردهای جهانی را برای حمایت از حقوق خانواده تعیین کند (Farooqi et al., 2022; Moinipour, 2021).

هر دو نظام حقوقی به اهمیت خانواده به عنوان نهاد اساسی اجتماعی و نقش آن در حفظ انسجام و پایداری جامعه توجه دارند. با این حال، تفاوت‌های قابل توجهی در رویکردهای آن‌ها وجود دارد. حقوق خانواده در اسلام بیشتر به تنظیم وظایف و حقوق متقابل اعضای خانواده با تأکید بر نقش‌های سنتی جنسیتی می‌پردازد، در حالی که حقوق بین‌الملل به برابری حقوقی و فرصت‌های برابر برای همه اعضای خانواده تأکید دارد (Çakmak & Güneysu, 2020; Rehman, 2022).

تأثیر نظریات دورکیم و غزالی در تحلیل تطبیقی

نظریات امیل دورکیم و امام محمد غزالی نقش مهمی در تحلیل تطبیقی حقوق خانواده در اسلام و حقوق بین‌الملل ایفا می‌کنند. دورکیم به نقش نهادهای اجتماعی، به ویژه خانواده، در حفظ انسجام اجتماعی و انتقال ارزش‌ها و هنجارها تأکید دارد. او معتقد است که حقوق و وظایف اعضای خانواده باید به گونه‌ای تنظیم شود که از یک سو انسجام خانواده حفظ شود و از سوی دیگر، امکان انعطاف‌پذیری و تطبیق با تغییرات اجتماعی فراهم گردد (Farooqi et al., 2022).

حقوق خانواده نقش مهمی ایفا می‌کنند و می‌توانند به درک بهتری از نقاط قوت و ضعف هر یک از این نظام‌ها کمک کنند (Çakmak & Güneysu, 2020; Rehman, 2022).

پیشنهادات کاربردی

تقویت آموزش و پرورش حقوق خانواده: افزایش آگاهی عمومی درباره حقوق و وظایف اعضای خانواده می‌تواند به بهبود روابط خانوادگی و کاهش اختلافات کمک کند. این امر می‌تواند از طریق برنامه‌های آموزشی و رسانه‌های جمعی انجام شود (Rehman, 2007).

تدوین قوانین و مقررات مناسب: بازنگری و تدوین قوانین و مقررات حقوق خانواده به گونه‌ای که با تغییرات اجتماعی و فرهنگی هماهنگ باشد، می‌تواند به حفظ انسجام خانواده کمک کند. این امر مستلزم همکاری نزدیک بین قانون‌گذاران، دانشگاهیان و فعالان اجتماعی است (Farooqi et al., 2022).

حمایت از حقوق کودکان و زنان: تضمین حقوق کودکان و زنان از طریق اجرای موثر قوانین و مقررات موجود و تدوین سیاست‌های حمایتی می‌تواند به بهبود وضعیت حقوق خانواده کمک کند (Moinipour, 2021).

پیشنهادات برای تحقیقات آتی

بررسی تطبیقی حقوق خانواده در کشورهای مختلف اسلامی: تحقیقات آینده می‌تواند به بررسی تطبیقی حقوق خانواده در کشورهای مختلف اسلامی بپردازد و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها را مورد تحلیل قرار دهد. این امر می‌تواند به درک بهتری از نحوه اجرای حقوق خانواده در این کشورها کمک کند (Farooqi et al., 2022).

مطالعه تأثیر تغییرات اجتماعی و فرهنگی بر حقوق خانواده: بررسی تأثیر تغییرات اجتماعی و فرهنگی بر حقوق خانواده و نحوه تطبیق این حقوق با شرایط جدید می‌تواند به تدوین قوانین و مقررات مناسب‌تر کمک کند.

در مقابل، غزالی به اهمیت اخلاق و شریعت در تنظیم روابط خانوادگی می‌پردازد و معتقد است که رعایت اصول دینی و اخلاقی می‌تواند به تحقق یک خانواده سالم و پایدار کمک کند (Farooqi et al., 2022). او تأکید می‌کند که حقوق خانواده باید بر پایه محبت، عدالت و احترام متقابل تعریف شود و هر یک از اعضای خانواده به وظایف و حقوق خود آگاه باشند و به آن‌ها عمل کنند (Rehman, 2022).

چشم‌اندازهای آینده حقوق خانواده

حقوق خانواده در آینده باید به نحوی توسعه یابد که بتواند با تغییرات اجتماعی و فرهنگی هماهنگ شود و نیازهای خانواده‌های معاصر را برآورده کند. از دیدگاه دورکیم، تغییرات اجتماعی و فرهنگی باید در تنظیم حقوق و وظایف اعضای خانواده منعکس شود تا انسجام و همبستگی اجتماعی حفظ گردد (Farooqi et al., 2022). این امر مستلزم بازنگری در قوانین و مقررات حقوق خانواده و تطبیق آن‌ها با شرایط جدید اجتماعی است.

از دیدگاه غزالی، حفظ اصول اخلاقی و دینی در تنظیم روابط خانوادگی همچنان اهمیت دارد. او معتقد است که حتی با تغییرات اجتماعی و فرهنگی، اصولی مانند محبت، عدالت و احترام متقابل باید در حقوق خانواده حفظ شود (Farooqi et al., 2022). این اصول می‌توانند به عنوان مبنایی برای توسعه حقوق خانواده در آینده و تطبیق آن‌ها با شرایط جدید استفاده شوند (Rehman, 2022).

این تحقیق نشان داد که هر دو نظام حقوقی اسلام و حقوق بین‌الملل به اهمیت خانواده و نقش آن در حفظ انسجام اجتماعی توجه دارند. حقوق خانواده در اسلام بر پایه اصول قرآنی و سنت نبوی تدوین شده و به عدالت، محبت و احترام متقابل تأکید دارد. در مقابل، حقوق بین‌الملل از طریق اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی به برابری حقوقی و فرصت‌های برابر برای همه اعضای خانواده توجه دارد. نظریات دورکیم و غزالی در تحلیل تطبیقی

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

تحلیل نقش دین در تنظیم حقوق خانواده: تحقیقات آینده می‌تواند

به تحلیل نقش دین در تنظیم حقوق خانواده و مقایسه این نقش

در ادیان مختلف بپردازد. این امر می‌تواند به درک بهتری از نحوه

تأثیرگذاری دین بر حقوق خانواده کمک کند (Farooqi et al.,

2022).

EXTENDED ABSTRACT

This article aims to provide a comprehensive comparative analysis of family law in Islam and international law, utilizing the theoretical frameworks of Emile Durkheim and Imam Muhammad Ghazali. Family law, as a crucial component of legal systems, plays a fundamental role in regulating familial relationships and ensuring justice and equality among family members. The primary objective of this research is to explore the strengths and weaknesses inherent in these two legal systems and to propose strategies for improving the status of family law. Through a detailed examination of the theoretical underpinnings and principles of family law in Islam and international law, this study offers a nuanced comparison of the rights of spouses, children, and parents.

Emile Durkheim, one of the founding figures of modern sociology, emphasized the importance of social institutions, particularly the family, in maintaining social cohesion and transmitting societal values and norms (Moustafa, 2018). He argued that the division of labor within the family should be designed to enhance both efficiency and solidarity among family members (Moustafa, 2018). Islamic family law, deeply rooted in Quranic teachings and the traditions of the Prophet Muhammad, is built upon principles of justice, love, and mutual respect (Rehman, 2007). It encompasses detailed rights and responsibilities for spouses, children, and parents, ensuring that each family member's role is clearly defined and respected. On the other hand, international law, as represented

by instruments such as the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women (CEDAW) and the Convention on the Rights of the Child, seeks to establish global standards for family rights, emphasizing gender equality and the protection of children's rights (Farooqi et al., 2022; Moinipour, 2021; Rehman, 2007).

The comparison of spousal rights in Islam and international law reveals both similarities and differences. Islamic law mandates the provision of financial support (nifaqa) by the husband and outlines specific rights such as mahr (dower) for the wife (Rehman, 2007). In contrast, international law emphasizes equality between spouses, advocating for equal opportunities and responsibilities in both the private and public spheres. According to Durkheim, both systems aim to preserve social cohesion by defining clear roles and responsibilities within the family. However, while Islamic law maintains traditional gender roles, international law strives for a more egalitarian approach, reflecting broader social changes and the evolving nature of gender relations (Alahmad, 2016).

The rights of children are another critical area of comparison. Islamic family law places significant emphasis on the rights of children to education, care, and protection, as outlined in the Quran and Hadith (Moinipour, 2021). Parents are obligated to provide for their children's physical and emotional needs, ensuring their well-being and development. International law, through the Convention on the Rights of the Child, similarly prioritizes the protection and development of children,

mandating states to provide appropriate conditions for their growth and education (Moustafa, 2018). Durkheim's theory underscores the importance of socialization and education in transmitting societal values to the next generation, a concept that is integral to both Islamic and international legal frameworks (Moustafa, 2018).

The mutual rights and duties of parents and children form another dimension of this comparative study. In Islam, respect and obedience to parents are paramount, and parents are expected to nurture and guide their children based on Islamic principles (Rehman, 2007). This reciprocal relationship is designed to foster a strong familial bond and ensure the transmission of moral and religious values (Farooqi et al., 2022). In contrast, international law advocates for a balanced approach, where both parents and children have rights and responsibilities that promote mutual respect and support (Moinipour, 2021). Durkheim's insights into the role of the family in maintaining social cohesion and transmitting values are reflected in both legal systems, albeit through different cultural and normative lenses (Moustafa, 2018).

Imam Muhammad Ghazali, a prominent Islamic philosopher, and theologian, provides a moral and ethical perspective on family law. He emphasizes the importance of justice, love, and mutual respect in familial relationships, arguing that adherence to these principles leads to a harmonious and stable family structure (Çakmak & Güneysu, 2020). Ghazali's views align closely with the ethical foundations of Islamic family law, which prioritize the welfare and well-being of all family members (Rehman, 2007). In international law, similar ethical considerations underpin the emphasis on human rights and equality within the family, highlighting the need for a compassionate and fair approach to family dynamics (Moinipour, 2021).

In conclusion, this comparative analysis highlights the convergences and divergences between Islamic family law and international law. Both systems recognize the importance of the family as a fundamental social unit and strive to regulate familial relationships in a manner that promotes justice, equality, and social cohesion. The theoretical contributions of Durkheim and Ghazali provide valuable insights into understanding these legal frameworks, offering a robust foundation for further research and practical applications. Future studies could explore the implementation of these legal principles in various cultural contexts, examining how they can be harmonized to enhance the protection and support of family rights globally (Çakmak & Güneysu, 2020).

References

- Adua, M. I. (2024). Aut Dedere as Erga Omnes to Suppress Civil Aviation Crimes Under the International Civil Aviation Law: The Islamic Perspective. *Malaysian Journal of Syariah and Law*, 12(1), 77-90. <https://doi.org/10.33102/mjssl.vol12no1.537>
- Alahmad, G. (2016). The Saudi Law of Ethics of Research on Living Creatures and Its Implementing Regulations. *Developing World Bioethics*, 17(2), 63-69. <https://doi.org/10.1111/dewb.12114>
- Aqimuddin, E. A. (2023). Dispute Settlement Between Islamic Law State and Non-Islamic Law State: An Islamic International Law Perspective. *Kne Social Sciences*. <https://doi.org/10.18502/kss.v8i18.14196>
- Çakmak, C., & Güneysu, G. (2020). Exploring Foundational Convergence Between the Islamic Law of Armed Conflict and Modern International Humanitarian Law: Evidence From Al-Shaybani's <i>Siyar Al-Kabir</i>. *International Review of the Red Cross*, 102(915), 1153-1178. <https://doi.org/10.1017/s1816383121000503>
- Farooqi, M. A., Rizvi, A., & Ramzan, M. (2022). The Classical and Contemporary Approaches Towards International Law: Conceptual and Thematic Study of Siyar (Islamic International Law). *International Journal of Social Science & Entrepreneurship*, 2(2), 494-505. <https://doi.org/10.58661/ijssse.v2i2.85>

- Moinipour, S. (2021). The Islamic Republic of Iran and Children's Right to Education: Availability & Accessibility. *Human Rights Education Review*, 4(2), 5-25. <https://doi.org/10.7577/hrer.3929>
- Moustafa, T. (2018). Constituting Religion. <https://doi.org/10.1017/9781108539296>
- Powell, E. J. (2013). Islamic Law States and the International Court of Justice. *Journal of Peace Research*, 50(2), 203-217. <https://doi.org/10.1177/0022343312470275>
- Rehman, J. (2007). The Sharia, Islamic Family Laws and International Human Rights Law: Examining the Theory and Practice of Polygamy and Talaq. *International Journal of Law Policy and the Family*, 21(1), 108-127. <https://doi.org/10.1093/lawfam/eblo23>
- Rehman, J. (2022). Revisiting the Jihad Ideology in Islamic International Law and Its Appropriation by Nonstate Actors. *Human Rights Quarterly*, 44(2), 417-440. <https://doi.org/10.1353/hrq.2022.0015>